

# دفاع مقدس

## فاطمه نصرتی

«دانستن علل، اهداف و زمینه‌های بروز جنگ عراق علیه ایران تنها یک موضوع کتابخانه‌ای نیست بلکه در زمره مطالعات استراتژیک و موضوعات کاربردی در حوزه منافع و امنیت ملی ایران قرار دارد. به‌هرحال بیش از چهارصد سال است که از اختلافات مرزی در غرب کشورمان هراسناک، آشفته و گاه رنجور هستیم و مهمترین این رنجوریاها جنگ هشت‌ساله‌ای است که از لحاظ مدت زمانی در قرن بیستم بی‌سابقه بود. هرچند ملت ما از مغلوب شدن در جنگ خود را رهایی بخشید و اهداف دشمنان خود را با نتیجه‌ای معکوس مواجه ساخت اما آسیبهای اقتصادی و انسانی آن را نمی‌توان نادیده گرفت. مساله جنگ به‌قدری اساسی بود که هرگونه اختلاف و دودستگی داخلی به ناپودی کامل ایران و در نتیجه شکست انقلاب اسلامی می‌انجامید و لذا بسیاری از دودستگی‌ها و دشمنی‌ها در زمان جنگ ماهیت خود را نشان دادند.»



تجاوز ارتش رژیم عراق به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران در سی‌ویکم شهریور ۱۳۵۹، حادثه مهمی است که بررسی علل و ابعاد آن برای نسل حاضر و آینده‌حاضر اهمیت می‌باشد. جنگ ایران و عراق یکی از طولانی‌ترین جنگها بعد از جنگ جهانی دوم بود. نقطه آغاز این جنگ را بیش از همه باید در اختلافات بین دو کشور جستجو کرد که مهمترین آنها اختلافات مرزی است و به زمان امپراتوری عثمانی بازمی‌گردد. این اختلافات به‌رغم انعقاد قراردادهای متعدد، هرگز حل نشد و همواره هریک از دو طرف خواهان اعتبار قرارداد به سود خود بودند.

این اختلافات در دهه ۱۹۷۰، با تغییر موازنه قدرت در منطقه به نفع ایران به اوج خود رسید. تا اینکه در سال ۱۹۷۵ کنفرانس سران اوپک در الجزیره تشکیل گردید و با واسطه‌شدن رئیس‌جمهور الجزایر، شاه ایران و صدام حسین (معاون رئیس‌جمهور وقت عراق) با یکدیگر دیدار کردند. در این دیدار، صدام حسین برخاست و با شاه دست داد و

به‌ظاهر اختلاف دو کشور حل شد. این قرارداد که برخلاف قرارداد قبلی تاحدود زیادی نظر ایران را تأمین می‌کرد، هرگز رضایت عراق را جلب نکرد و آنها در پی فرصتی بودند که آن را تغییر دهند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که ارتش ایران از هم فروپاشیده بود، صدام حسین با گمان یافتن فرصتی مناسب جهت ابطال قرارداد ۱۹۷۵، با تجاوز به مناطق مرزی و غارت اموال مرزنشینان، تهاجم به ایران را آغاز نمود. از سوی دیگر ترس کشورهای عربی از فرضیه صدور انقلاب اسلامی، این دیدگاه را برای صدام ایجاد کرد که تجاوز آشکار به ایران همدردی هیچ دولت منطقه را نه‌تنها به نفع ایران برنخواهد انگیزد، بلکه با توجه به حادثه گروگان‌گیری در سفارت امریکا و تیرگی روابط ایران و ایالات متحده امریکا، حداقل موضع امریکا عدم مخالفت با تهاجم عراق خواهد بود. دلایل مذکور، به همراه دهها علت دیگر، این تامل را برمی‌انگیزد که رژیم عراق با تجاوز گسترده به ایران چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟

بررسی نحوه تجاوز ارتش عراق در نظر گرفتن اوضاع سیاسی، اقتصادی و نظامی طرفین، نکات ظریفی را در اختیار محققان قرار خواهد داد و به تنظیم و تحلیل این حادثه در تاریخ کشورمان کمک شایانی خواهد کرد. از فرازهای مهم این حادثه نقش بی‌چیده دولتها و سازمانهای مدعی حقوق بشر و موضع‌گیریهای آنان در طی هشت سال جنگ می‌باشد.

در این نوشته سعی خواهد شد سیر تحلیلی فرایند مذکور را لحاظ سه عنصر علل، اهداف و شرایط تجاوز و نیز مطالعه سیاست دفاعی نظام جمهوری اسلامی در برابر این واقعه مورد بررسی قرار گیرد. همچنین به نفوذ لیبرالها و افرادی چون بنی‌صدر در مصادر قدرت سیاسی و نظامی ایران و سپس حذف آنها و حضور مستقیم امام(ره) در راس فرماندهی جنگ و استراتژی دفاعی در دو شکل مهار و دفع تجاوز، پرداخته شده و به سؤالاتی از قبیل علت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، پاسخ داده خواهد شد.

جنگ عراق علیه ایران، به دلایل متعدد پایان نظامی نداشت و آنان که عراق را ثابید و حمایت نمودند، مانع از

باخت نظامی این کشور شده و سمت‌وسوی تحولات جنگ را به پایانی حقوقی - سیاسی کشاندند و سرانجام قطعنامه ۵۹۸ صادر شد. با تشکیل کمیته کارشناسی به منظور تشخیص آغازگر جنگ، نهایتاً با اعلامیه دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، رژیم عراق طبق بند شش قطعنامه شروع‌کننده جنگ در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ اعلام شد.

## ریشه‌های تاریخی اختلافات

اختلافات مرزی ایران و عراق، به دوران حکومت سلسله صفوی در ایران و دولت عثمانی - که در آن زمان عراق بخشی از خاک این امپراتوری بود، بازمی‌گردد. سلطان محمد دوم، شاه عثمانی، پس از فتح قسطنطنیه و خاتمه‌دادن به حیات بیزانس و تالیس امپراتوری نیرومند عثمانی، درصدد کشورگشایی از جمله در ناحیه کشور ایران برآمد. هدف سلسله صفوی نیز - که توسط شاه اسماعیل صفوی در ایران تاسیس شده بود - حفظ تمامیت ارضی ایران از خطر هجوم ترکان عثمانی بود. نبردهای خونین بین دو کشور در کل چهارصد سال - غیرمداوم - ادامه داشت و البته در این بین کشورهای اروپایی در تشدید جنگها نقش بسزایی داشتند. آنها برای جلوگیری از فتوحات عثمانی در اروپا، همواره درصدد توجه‌دادن قدرت عظیم عثمانی به سمت ایران بودند تا فارغ از تهدیدات عثمانی به جهاتگشایی‌ها و توسعه تجارت خودشان در نواحی دیگر بپردازند. جرج وسترن می‌گوید: «امپراتوری صفوی (صفوی) در این زمان افساری به ترکها زده و مانع از آن شده بود که دنیای مسیحیت بیش از این متحمل زیان شود.»

سرزمین عراق، قبل از عثمانی، بخشی از خاک ایران بود که توسط سلطان مراد چهارم در سال ۱۶۳۸ از خاک ایران جدا شد. بین عهدنامه آماسیه در سال ۱۵۵۵ تا عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ - در طول بیش از چهارصدویست سال - هیجده عهدنامه بین دو کشور به امضا، رسید که هر بار توسعه‌طلبی عثمانیها و نیز اختلافات ناشی از شیعه‌بودن ایرانیان و سنی‌بودن عثمانیها، موجب نقض عهدنامه‌ها می‌شد. از قرن نوزدهم به بعد، دولتهای روس و انگلیس



نقش مستقیمی در انعقاد عهدنامهها داشتند و همواره شرایط معاهدات را به ایران تحمیل می‌کردند. قدرتهای استعماری به علت منافع سرشاری که در خلیج فارس داشتند، هیچگاه حاضر نبودند حاکمیت ایران و یا عراق را در منطقه ببپذیرند و قراردادهای به‌گونه‌ای تنظیم می‌کردند که در صورت اقتضای منافع آنان، به‌راحتی بتوانند این قراردادها را نقض و کان‌لم‌یکن اعلام کنند. ازسوی دیگر دولتهای مستبد، نظیر دولت صدام حسین، به دلیل ماهیت تجاوزگری، حقوق سایر ملل را نادیده گرفته و حتی برای امضای خود، که درواقع ملامت شخصیت سیاسی یک کشور در جهان محسوب می‌شود، ارزشی قائل نبودند.

قراردادهای بین ایران و عراق هر ازچندگاهی به دلیل برهم خوردن توازن قدرت به نفع هریک از طرفین، ملغی اعلام می‌شد، به‌عنوان مثال، قرارداد چهارم ژوئیه ۱۹۳۷ به علت تخلفات مکرر دولت عراق و بالارفتن قدرت نظامی ایران، در هفدهم آوریل ۱۹۶۹ توسط شاه مخلوع ایران لغو گردید. همچنین پس از پیروزی انقلاب، صدام حسین با احساس برتری نظامی نسبت به ایران، قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را لغو نموده و جنگ را آغاز کرد.

سازمان ملل متحد، که بعد از جنگ جهانی دوم تاسیس شد، ملامت صلح و امنیت را بر عهده گرفت اما این سازمان همواره با مشکل ضمانت اجرایی مواجه بوده است و امروزه قدرتهای بزرگ با بهره‌گیری سو، از این سازمان و تقلیل

نقش آن در حد میانجیگری در حل اختلافات، درواقع همان اهداف استعماری خود را تعقیب می‌کنند.

### علل تجاوز عراق به ایران

از مهمترین علل تجاوز ارتش رژیم عراق به خاک مقدس جمهوری اسلامی عوامل زیر را می‌توان برشمرد:

۱- تحریک امریکا: پیروزی انقلاب اسلامی عمدتاً با سیاست استقلال‌جویانه و نفی سلطه شرق و غرب، منافع بین‌المللی امریکا را به خطر انداخت امریکا پس از آنکه سفارتش در تهران به تصرف دانشجویان انقلابی درآمد، عملاً خود را در محاصره انقلاب اسلامی دید و علیرغم اعمال فشارهای سیاسی و تبلیغات گسترده، نتوانست از این محاصره خارج شود تا اینکه در پنجم اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ به عملیات طیس دست زد و البته با شکست مواجه شد. ایالات متحده پس از شکست در طیس، کودتای نوژه را دامن زد، اما باز هم با عدم موفقیت روبرو شد. پس از آن، با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی داخل و توان نیروهای مسلح ایران به فکر ایجاد بحران مرزی برای ایران افتاد و طرح حمله نظامی به ایران در دستور کار متخصصان و کارشناسان سیاسی و نظامی امریکا قرار گرفت.

۲- اوضاع سیاسی - اقتصادی و نظامی ایران: از آغاز نخست‌وزیری مهندس بازرگان در شانزدهم بهمن ۱۳۵۷ تا سقوط بنی‌صدر در تیرماه ۱۳۶۰ را درواقع باید دوران

حاکمیت لیبرالها دانست. آنها در سیاست خارجی معتقد به عادی‌سازی روابط با امریکا و در سیاست داخلی معتقد به جذب تمام گروههای سیاسی - حتی گروههای مخالف حکومت اسلامی و ولایت فقیه، بودند. به‌همین دلیل آنها با لیبرالها در مقابل نیروهای انقلابی و پیرو خط امام(ره) وحدت تاکتیکی برقرار کردند. ازسوی دیگر امریکا سعی می‌کرد با حمایت از لیبرالها و دخالت در اغتشاشات مناطق مرزی - نظیر کردستان - ضمن مشغول کردن نیروهای حزب‌الله و پیرو خط امام(ره) و تثبیت موقعیت لیبرالها، سیاست داخلی ایران را در جهت اهداف مورد نظر خود هدایت کند. گروههای چپ و راست نیز سعی می‌کردند با حضور در مراکز مختلف، از جمله دانشگاهها و کارخانهها، رشته امور را به‌دست گیرند و ضمن حمایت از دولت بازرگان، مشکلات پیش‌آمده را متوجه لیبرالها کنند. پس از اشغال سفارت امریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام و سقوط دولت بازرگان، امریکا به منظور آزاد کردن جاسوسان خود و نیز حفظ موقعیت لیبرالها، ارسال تجهیزات نظامی و تجاری به ایران را قطع کرد. «با توجه به تک‌محصولی بودن ایران و وابستگی این کشور به صادرات نفت، کارتر در دوازدهم نوامبر (نهمین روز گروگان‌گیری) دستور متوقف کردن واردات نفت از ایران را صادر کرد.»<sup>۱</sup> در چهاردهم نوامبر دولت امریکا به منظور وارد کردن فشار بیشتر بر ایران، تمام داراییهای رسمی ایران در بانکهای امریکا

را توقیف نمود<sup>۳</sup> پس از تصویب قطعنامه ۴۵۷، دولت آمریکا مذاکراتی را با متحدها خود برای تحریم اقتصادی ایران آغاز کرد. در راستای اعمال فشارهای اقتصادی بر ایران، دولت آمریکا در دوم دی ماه ۱۳۵۸، به بلوکه کردن سپرده‌های ایران در بانکهای جهان اقدام کرد.<sup>۴</sup> آمریکا به بهانه آزادساختن گروگانها حمله نظامی موسوم به واقعه طیس را طراحی نمود و موافقت کشورهای عضو بازار مشترک اروپا مبنی بر تحریم اقتصادی ایران را جلب کرد. از سوی دیگر گروهکهای داخلی، خصوصا سازمان منافقین، سعی در ایجاد جنگ روانی و تبلیغاتی علیه نیروهای مومن و انقلابی داشتند. در این بین بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت، به‌صورت محوری بین همه گروههای مخالف قرار گرفته و با استفاده از موقعیت و امکانات تبلیغاتی رئیس‌جمهور سعی در اجرای اهداف داخلی خود داشت. با تمامی فشارهای مذکور، نیروهای مکتبی و بیرو حاکمیت ولایت فقیه همچنان به تلاش خود ادامه می‌دادند. آمریکا علاوه بر تبلیغات بین‌المللی و منطقه‌ای، سیاست تبلیغاتی داخلی ایران را نیز در جهت تحریک رژیم عراق هدایت نمود و به رژیم عراق توصیه می‌کرد تحریکات داخلی لیب‌لها را به محامع بین‌المللی گزارش کند تا حمله آتی عراق به ایران موجه جلوه داده شود. امام خمینی در پاسخ به اظهارات سعدون حمادی، نماینده دولت بعثی عراق در سازمان ملل متحد که جمهوری اسلامی را به تمایلات کشورگشایی متهم نمود، فرمودند: «این معنی غلط را از صدور انقلاب برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند... معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و تحت سلطانی که هستند و این همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند. نجات دهند»<sup>۵</sup>

موضع‌گیریهای بنی‌صدر پس از تجاوز عراق علیه ایران، نشانگر هدف وی در حذف نیروهای مکتبی و روحانیت آگاه - خصوصا دکتر بهشتی - می‌باشد. وی که هیچگونه برنامه‌ریزی عملیاتی برای دفع تجاوز دشمن در مناطق غرب و جنوب ایران که تحت اشغال نیروهای بعثی قرار گرفته بودند، انجام نمی‌داد، همه ناکامی‌ها را به‌ضرب نیروهای مکتبی تحزبه و تحلیل می‌کرد. وی در سخنرانی چهاردهم آسفند ۱۳۵۹ گفت: «در داخل کشور کسانی هستند که موافق با پیروزی ما در این جنگ نیستند و پیروزی ما را خطرناکتر از پیروزی دشمن می‌دانند. اینها که نمی‌آیند به‌طور علنی بگویند ما با پیروزی نیروهای مسلح مخالفیم، آنها عمده کوشش خود را صرف تضعیف رئیس‌جمهور و شکستن روحیه نیروهای مسلح ما کرده‌اند و هر روز یک دروغ را می‌سازند و می‌روند از تریبون‌هایی که دارند در میان مردم شایع می‌کنند»<sup>۶</sup>

برای بنی‌صدر شکست نیروهای مذهبی و حذف خط ولایت فقیه از دفع تجاوز بیگانه مهم‌تر بود. البته تاحدودی شگردهای او کارگر واقع شد و شخصیت‌های بزرگی چون دکتر بهشتی (ره) در مظلومیت کامل قرار گرفتند. «بنی‌صدر به‌هیچ‌وجه با نیروهای سپاه هماهنگی نداشت؛ زیرا بیشتر نیروهای سپاهی دارای روحیاتی انقلابی بودند و ملی‌گرا را

قبول نداشتند و بنی‌صدر نیز نمی‌توانست به آنها اعتماد داشته باشد. به‌همین دلیل، سلاح و امکانات قابل توجهی در اختیارشان نمی‌گذاشت و طرحهای ارائه‌شده از سوی سپاه را تصویب نمی‌کرد»<sup>۷</sup> بنی‌صدر به‌بهانه آنکه به سبب تحریم اقتصادی کشور امکان دسترسی به ابزار جنگی وجود ندارد، از ارسال جنگ‌افزار کافی به میدان جنگ خودداری می‌کرد و در حمله دشمن به خرمشهر به‌اندازه‌ای در فرستادن تجهیزات و نفرات به این منطقه خودداری نمود که سرانجام شهر خرمشهر سقوط کرد.<sup>۸</sup> پس از نخست‌وزیری شهید رجایی، حملات بنی‌صدر علیه نیروهای انقلابی هرچه‌بیشتر اوج گرفت. البته نیروهای مکتبی هم در مقابل شیطنت لیب‌لها اذهان مردم را روشن می‌ساختند. خلاصه‌اینکه ایران در شرایط آغازین جنگ وضعیت سیاسی مناسبی نداشت. مشکلات اقتصادی ایران در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ کمتر از مشکلات سیاسی نبود؛ از جمله این مشکلات می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

- معلق‌ماندن قراردادهای اقتصادی با کشورهای غربی نبود سازماندهی مناسب در مراکز اقتصادی و تولیدی به دلیل فرار کارشناسان فنی به خارج از کشور

- ایجاد تزلزل در بازارهای نفت که توسط دشمنان خارجی صورت می‌پذیرفت

- تحریم اقتصادی ایران و بلوکه‌شدن داراییهای ایران در بانکهای آمریکا

در سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ اوضاع نظامی کشور نسبت به اوضاع سیاسی و اقتصادی به‌مراتب بدتر بود. حضرت امام خمینی (ره) ضمن تأکید بر انسجام ارتش، فرصت لازم را جهت ایجاد ساختار جدید بر مبنای معیارهای ارتش مکتبی، در اختیار این نیرو قرار داد. عمده‌ترین مشکلات جانبی ارتش عبارت بودند از:

- فرار فرماندهان نظامی به خارج از کشور

- کاهش نیروهای ارتش توسط دولت بازرگان، به‌طوری‌که در تاریخ نهم اردیبهشت سال ۱۳۵۸ اعلام داشت که ایران به ارتش پنجاههزار نفری نیاز ندارد و تعداد ارتشیان کاهش خواهد یافت<sup>۹</sup>

- لغو قراردادهای نظامی، از قبیل لغو قرارداد خرید شش فروند زیر دریایی از آلمان و کاهش مدت خدمت سربازی از بیست و چهار ماه به دوازده ماه و اعزام نیروهای ارتشی به زادگاه خود توسط دولت بازرگان.

- کودتای نوزده و فرار تعدادی از عناصر ارتشی کودتا در تیرماه ۱۳۵۹ به سایر کشورها؛ از جمله به عراق؛ که اطلاعات مهمی از توان دفاعی ایران را در اختیار سرکردگان رژیم عراق قرار داد.

گرچه در کنار ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز شکل گرفت، اما در گریبهای مرزی موجب شد سپاه به‌شدت با بحرانیهای داخلی درگیر باشد و فرصت لازم را برای گسترش سازمان نظامی خود نیابد. مجموعه عوامل فوق سبب شد محافل بین‌المللی و منطقه‌ای چهارده نامطلوبی از وضعیت دفاعی و نظامی ایران ترسیم کنند. طارق عزیز، وزیر خارجه عراق، سه ماه قبل از حمله، در تحلیلی از اوضاع ایران نوشت: «امروز ارتش ایران از هم پاشیده شده است»<sup>۱۰</sup>

## اوضاع سیاسی - اقتصادی و نظامی رژیم عراق

حزب بعث عراق بر معیارهای غیر مذهبی و ناسیونالیسم عربی بنیانگذاری شده و همواره در صدد اتحاد سیاسی توسعه‌طلبانه بود. پیروزی انقلاب اسلامی می‌توانست شیعیان عراق را که در اکثریت بودند به حرکت وادارد و موج اسلام‌خواهی از طریق شیعیان عراق به سایر کشورهای سرایت کند. صدام آسیب‌پذیری عراقی از انقلاب اسلامی را چنین بیان می‌کند: «دولت سوسیالیست عراق بیش از هر کشور دیگر در خاورمیانه مورد تهدید فرمان آیت‌الله خمینی برای صدور انقلاب ایران قرار دارد. ایران یک کشور شیعه بوده و نیمی از جمعیت سیزده میلیونی عراق را نیز شیعیان تشکیل می‌دهند»<sup>۱۱</sup> صدام با ترساندن دیگر کشورهای منطقه از صدور انقلاب اسلامی، شرایط منطقه را برای ایجاد ضربه نظامی به ایران آماده می‌کرد و تمایل شرق و غرب را که عمیقا با انقلاب اسلامی مخالف بودند، به خود جلب می‌نمود. صدام همواره در صدد بود بنیه دفاعی خود را تقویت کند. او تلاش می‌کرد بی‌آنکه مناسباتش را با شرق کاهش دهد. به‌غرب نزدیک شود و با توجیه نیاز به اسلحه و تجهیزات برای مبارزه با صدور انقلاب ایران، خرید تجهیزات از آمریکا را آغاز کرد. هفته‌نامه وقایع غرب، چاپ بیروت، در این زمینه می‌نویسد: «وزارت امور خارجه ایالات متحده هفته گذشته به یک کمپانی آمریکایی اجازه داد تا هشت توریست به ارزش ۱۱۲ میلیون دلار به عراق بفروشد. این توریست‌ها برای چهار کشتی جنگی که در حال حاضر به سفارش عراق در ایتالیا ساخته می‌شوند، در نظر گرفته شده‌اند»<sup>۱۲</sup> کشور فرانسه با امضای قرارداد نظامی با عراق در سال ۱۹۸۰، به یکی از بزرگترین منابع تسلیحاتی ارتش عراق تبدیل شد. از اوایل همان سال، تحویل حدود شصت فروند هواپیمای میراژ ۲۰۰۰، هلی‌کوپتر، موشک و تجهیزات دریایی صورت گرفت. همزمان با این اقدامات اخبار بسیاری در مورد دسترسی عراق به سلاحهای شیمیایی از سوی محافل سیاسی و نظامی جهان انتشار یافت.<sup>۱۳</sup> رژیم عراق توانست با تبلیغ سو، درباره انقلاب اسلامی، در فاصله‌های کوتاه، از این واقعه در جهت افزایش توان نظامی خود سود ببرد و با شعار دفاع از منابع جهانی عرب در مقابل انقلاب اسلامی، روابط تجاری و اقتصادی خود را با کشورهای عربی منطقه گسترش دهد و تجهیزات لازم را برای رسیدن به حمله‌ای تمام‌عیار فراهم آورد. از طرف دیگر آمریکا نیز به درپیش گرفتن استراتژی نظامی در مقابل ایران روی آورد. آنها به دنبال عنصری مطمئن برای عملی کردن این استراتژی برآمدند و در این میان صدام حسین توانست توجه دولت ایالات متحده را به خود جلب کند. گرچه صدام به‌خاطر دیدگاه توسعه‌طلبانه‌ای که داشت، فاقد اطمینان کامل بود، اما شنایزدگی آمریکا در مهار ایران و نیز توسعه‌طلبی صدام، باعث شد دولت آمریکا به استراتژی پنهان روی آورد؛ یعنی به‌ظاهر در جنگ عراق و ایران اعلام بی‌طرفی می‌کرد و در پنهان به حمایت مستقیم و غیرمستقیم رژیم عراق می‌پرداخت. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا پس از وقوع جنگ اعلام نمود: «این کشور از هیچ‌یک از دو کشور ایران و عراق در منازعه موجود حمایت نمی‌کند»<sup>۱۴</sup> امام راحل (ره) با نگاه دوراندیش دریافت که عامل اصلی این تهاجم آمریکا است، لذا فرمودند: «هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید.



هر چه تظاهرات دارید، بر ضد آمریکا کنید. قوای خودتان را مجهز کنید و تعلیمات نظامی پیدا کنید و به دوستان تعلیم دهید.<sup>۱۶</sup> ایشان در جای دیگر فرمود: «این دست امریکاست که از آستین صدام به در آمده است.»<sup>۱۷</sup>

## اهداف رژیم عراق در حمله به ایران

۱- **حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود:** دولت عراق همواره ادعا می کرد اروندرود به آن کشور تعلق دارد اما دولت ایران معتقد بود اروندرود یک رودخانه مرزی و قابل کشتیرانی است و به همین جهت براساس اصول و مقررات حقوق بین الملل، مرز دو کشور باید خط نالوگ باشد.<sup>۱۸</sup> به منظور تعیین مرز دو کشور در اروندرود، چندین قرارداد بین ایران و عثمانی و بعدها میان ایران و عراق منعقد شد که به موجب قرارداد ۱۹۷۵ مرز دو کشور در اروندرود خط نالوگ تعیین شده است. نالوگ در اصطلاح به معنی عمیق ترین و قابل کشتیرانی ترین نقطه رودخانه دو کشور همجوار می باشد. عراق در هفدهم سپتامبر ۱۹۸۰ عهدنامه ۱۹۷۵ و اعلامیه الجزایر را به طور یک جانبه لغو و اعلام نمود: «این رودخانه با تمام حقوقی که از حاکمیت مطلق عراق بر آن ناشی می شود، جزء تملک عربی عراق است، همانطور که در سراسر تاریخ و در واقعیت چنین بوده است.»<sup>۱۹</sup> این کشور سپس در بیست و یکم سپتامبر از طریق زمین و هوا و دریا به حمله گسترده علیه ایران دست زد.

۲- **تسخیر جزایر سه گانه:** هدف دیگر رژیم عراق از حمله به خاک ایران، استرداد جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک بود. در حالی که جزایر سه گانه، جزء مجمع الجزایر ایران هستند و در صورت وجود ادعا، باید توسط امارات متحده مطرح شود نه دولت عراق. اما صدام حسین با طرح منشور ملی ادعای نمایندگی از طرف همه اعراب را نمود و از زبان دولت امارات متحده از استرداد جزایر سه گانه سخن گفت. صدام با به کارگیری این حربه، کمکهای مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی دولتهای عرب منطقه را به سوی جبهه های خود سرازیر نمود وی در اجلاس فوق العاده وزرای عرب در بغداد، اظهار داشت: «اما که برادران تن هستند، به نمایندگی از سوی شما دفاع از سرزمین اعراب را آن گونه که شایسته است، به عهده خواهیم گرفت.»<sup>۲۰</sup> رژیم عراق با طرح استرداد جزایر سه گانه در کنار حق حاکمیت شط العرب، اهداف خود را با منافع کشورهای عربی گره زد و خود را در خط مقدم دفاع از منافع اعراب قرار داد. گرچه سران کشورهای منطقه غالباً از حس توسعه طلبانه و روحیه استکباری وی اطلاع داشتند، اغلب به دام فریب وی گرفتار شدند. صدام سردار فداکاری و قربانی آرمانهای جهان عرب نام گرفت و نتیجه کمکهای همه جانبه کشورهای عربی به عراق، جنایات هولناک صدام در ایران بود.

۳- **تجزیه خوزستان:** هر گاه اختلافات دولت عراق با دولت ایران تشدید می شد، این کشور موضوع عربی بودن استان خوزستان را نیز مطرح می کرد و آن را جزء لاینفکای کشور عراق می دانست. به عنوان مثال در ماه مه ۱۹۶۹، روزنامه «الجمهوریه» چاپ بغداد نوشت: «به زودی فرستنده رادیویی جدیدی که منحصر برای «عربستان» [خوزستان] برنامه پخش خواهد کرد. در بصره شروع به کار می کند.»<sup>۲۱</sup> دولت عراق به طور رسمی نیز به تغییر اساسی در نقشه ها مبادرت

کرد؛ به عنوان مثال در کنگره معلمان عراق، نقشه های به نام «خارطه الاحواز» ارائه کرد که به موجب آن بیست و شش شهر ایران به صورت یک منطقه مستقل به نام «احواز» و یا خاک عراق معرفی شده بودند که قرار شد در مدارس عربی نیز آموزش داده شود.<sup>۲۲</sup> برخی گزارشها از ترسیم طرح تجاوز عراق به ایران براساس طرح تجزیه خوزستان سال ۱۳۲۹ تدوین شده از سوی وزارت امور خارجه انگلیس، حکایت می کنند. در طرح مذکور قرار بود ظرف مدت یک هفته عراق با کمک شاپور بختیار و غلامعلی اویسی استان خوزستان را اشغال نموده و سپس «جمهوری آزاد ایران» به رهبری بختیار و به پایتختی اهواز تشکیل گردد و کردستان ایران نیز پس از اشغال به این جمهوری ملحق گردد. در اجرای طرح تجزیه خوزستان، ارتش عراق در ششم مهر ۱۳۵۹ خرمشهر را اشغال نمود و با هدف ضمیمه کردن آن به خاک عراق، به ساختن راهها و شبکه های مخابراتی و... اقدام نمود اما دلاور مردان ایرانی، در نبرد سنگین و با توکل به عنایات الهی، خرمشهر را در سوم خرداد ۱۳۶۱ آزاد کردند. فتح خرمشهر به مراتب بیش از هر عامل دیگری به قوای دشمن ضربه روحی و روانی وارد کرد؛ چرا که دشمن به عمق ایمان رزمندگان مایه برد و ترس عجیبی از رزمندگان ایرانی بر دل آنان مستولی شد. برخی اعتقاد دارند که پس از فتح خرمشهر، شرایط مناسبی به نفع ایران برای برقراری صلح شکل گرفت. دولت جمهوری اسلامی ایران از این فرصت استفاده نکرد؛ حال آنکه این منتقدان توجه ندارند که صلح حقیقی و شرافتمندانه از لحاظ حقوق بین الملل باید پس از دفع حمله متجاوز و شناسایی وی و تعیین خسارات و تنبیه متجاوز و تضمین امنیت کشور مورد حمله انجام گیرد. در حالی که شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۵۱۴ و پس از آن، به جای لفظ «منازعه»، از کلمه «وضعیت» استفاده می کرد. کلمه «وضعیت» مسئولیتی را متوجه شورای امنیت سازمان نمی کند. در صورتی که اعلان «منازعه» برای این نهاد مسئولیت آور است. لذا وقتی این شورا از مسئولیت خود نا بدین اندازه طفره می رفت، ایران به کدامین امید باید دست از دفاع مقدس برمی داشت؟ همچنین پس از فتح خرمشهر، رزمندگان ما به لحاظ نظامی موقعیت تثبیت شده ای در جبهه ها نداشتند و خط اطمینانی ایجاد نشده بود تا در صورت نقض آتش بس، توان مقابله اولیه وجود داشته باشد.

۴- **سرنوشتی نظام مقدس جمهوری اسلامی:** انقلاب اسلامی ایران افقهای تازه ای را بر ملتها و به ویژه بر مسلمین جهان گشود و نوید آزادی، استقلال، حاکمیت بر سرنواخت خویش و شکست سلطه گری و غارتگری ابرقدرتها را می داد بدین جهت آمریکا و دولتهای مرتجع منطقه با احساس خطر در انتظار فرصتی جهت ضربه زدن و سرنوشتی نظام جمهوری اسلامی بودند. صدام حسین که قصد داشت به جای شاه ایران، زانداری منطقه را عهده دار گردد، با اطمینان از حمایت کامل قدرتهای بزرگ، به ویژه آمریکا، خود را برای نبردی که نتیجه آن سرنوشتی نظام جمهوری اسلامی باشد، آماده ساخت. طه یاسین رمضان، معاون نخست وزیر وقت عراق، در این باره گفته است: «این جنگ برای عهدنامه ۱۹۷۵ و با چند صد کیلومتر خاک و با نصف شط العرب نیست. این جنگ برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی است.»<sup>۲۳</sup>

همچنین وی در ژانویه ۱۹۸۰ در مصاحبه با روزنامه «الشور» اظهار داشت: «اما بر این نکته تأکید می کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید، مگر اینکه رژیم حاکم بر ایران به کلی از بین برود.»<sup>۲۴</sup>

۵- **رهبری اعراب:** صدام حسین که قصد داشت جنگ علیه ایران را به جنگ ایران و اعراب مبدل نماید، در سخنان خود اظهار می داشت از جانب اعراب با ایران می جنگد و می خواست خود را منجی عرب جلوه دهد. شعار حزب بعث «امه عربیه واحد، ذات رساله خالده» می باشد و این حزب معتقد است کشورهای عربی، ملت واحدی را تشکیل می داده اند و لذا باید مرزها را برداشت تا اعراب دوباره ملت واحدی را تشکیل دهند. صدام حسین در مصاحبه ای در بیست و سوم اسفند ۱۳۶۲ به اعراب گفت: «اما که برادران تن هستیم، به نمایندگی از سوی شما، دفاع از سرزمین اعراب را آن گونه که درخور است به عهده خواهیم گرفت.»<sup>۲۵</sup> صدام حسین برای دستیابی به هدف رهبری جهان عرب، انتشار منشور ملی در بهمن ماه ۱۳۵۸ را اولین گام دانست و در گام بعد، به تشکیل گروههای ناسیونالیست و برقراری ارتباط میان آنها مبادرت ورزید. حزب بعث مردم عراق را به مهاجرت به کشورهای جنوبی خلیج فارس به منظور تغییر ترکیب جمعیتی این کشورها به نفع خود ترغیب کرد و در اوایل دهه ۱۹۷۰ با ایجاد واحدهای حزب بعث در قطر، بحرین و ابوظبی تلاش می کرد مقدمات نفوذ خود به این کشورها را فراهم سازد. با این زمینه سازیها، صدام حسین شناسایی موقعیت ژئوپولیتیک جدید عراق را با حمله نظامی به ایران ضروری تشخیص داد و پس از جلسات متعدد و کاملاً محرمانه بخشنامه ای بین سران حزب بعث در بغداد صادر کرد. نسخه ای از این بخشنامه به محافل خبری بیروت رسید و در روزنامه کریستین ساینس مانیتور چاپ شد در این روزنامه آمده است: «به عقیده حزب بعث برای ایجاد یک موقعیت ژئوپولیتیک جدید به وسیله عراق، زمینه از هر جهت فراهم است. لذا به منظور شناسایی این موقعیت جدید از سوی دنیای عرب، حمله نظامی به ایران با وارد آوردن یک ضربه موثر - که بنا به ارزیابی آنها به شکست ایران منتهی می شود - لازم است.»<sup>۲۶</sup> صدام حسین براساس محاسبات دقیق، به اجرای طرح خود اطمینان یافت و تأیید کشورهای منطقه و آمریکا را جلب نمود اما پس از هشت سال دفاع مقدس ملت غیور ایران، نه تنها این شخصیت جنگ افروز به هدف تشکیل ملت واحد عربی نرسید بلکه کشور عراق را نیز قربانی اهداف توسعه طلبانه و جاه طلبی های خود کرد.

## آغاز جنگ تحمیلی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رژیم عراق از مشکلات داخلی ایران استفاده کرد و از سیزدهم فروردین ۱۳۵۸ تا سی شهریور ۱۳۵۹ بیش از ششصد مورد اقدام به نقض حریم هوایی، زمینی و دریایی ایران نمود ارتش رژیم عراق با اهداف از پیش تعیین شده سرانجام تهاجم سرلسری خود را علیه ایران در تاریخ سی و یکم شهریور ۱۳۵۹ از زمین، هوا و دریا آغاز نمود. استعداد نیروی زمینی ارتش عراق در آغاز تجاوز، بالغ بر چهل و هشت یگان بود؛ شامل: دو لشکر لشکر مرکب از پنج لشکر پیاده، پنج لشکر زرهی، دو لشکر مکانیزه و همچنین پانزده تیپ مستقل شامل ده تیپ پیاده.

یک تیپ زرهی، یک تیپ مکتبزه و سه تیپ نیروهای مخصوص، به همراه ده تیپ گارد جمهوری و نیز نیروهای گارد مرزی که از بیست تیپ مرزی تشکیل می‌شد. علاوه بر این، ماشین نظامی عراق با بهره‌مندی کامل از تجهیزات نظامی نظیر هشتصد قبضه توپ، پنج هزار و چهارصد دستگاه تانک و نفربر، چهارصد قبضه توپ ضد هوایی، سیصد و شصت و شش فروند هواپیما و چهارصد فروند هلی‌کوپتر از آمادگی عملیاتی مناسبی برخوردار بود.<sup>۲۷</sup> تجاوز رژیم عراق با سرعت عجیبی همراه بود که نشانگر اهداف از پیش برنامه‌ریزی شده می‌باشد. رژیم بعثی دوسوم نیروهای خود را جهت تصرف خوزستان به کار برد و از شلمچه نشو، تنگه چرابه و دزفول به اشغال خاک خوزستان پرداخت و با وجود مقاومت دلیر مردان اسلام، سرانجام خرمشهر را به تصرف درآورد. تلاش برای تحقق ادعای مالکیت سران رژیم عراق بر منطقه خوزستان، با تغییر اسم شهرها نظیر محمره به جای خرمشهر و عربستان به جای خوزستان آغاز شد. پس از سقوط خرمشهر مطبوعات عراق اعلام کردند: «محمره [خرمشهر] سرزمین اجدادی است و نیروهای مسلح عراق آن شهر را برای ابد باز پس گرفته‌اند»<sup>۲۸</sup> در چنین شرایطی همه دیدگان به تدابیر امام خمینی (ره) دوخته شده بود و خود ایشان هم به خوبی می‌دانست که در چنین اوضاعی باید حرف آخر را بزند؛ لذا طی سخنانی عنصر ایمان و توکل به خدا را بزرگترین توانایی دانسته و قدرت دشمن را در برابر آن ناچیز شمردند: «من از ملت بزرگ ایران خواهلم که در هر مسأله‌ای که پیش می‌آید قوی باشند، قدرتمند باشند، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند و از هیچ چیز پاک نداشتند باشند. ما از قدرتهای بزرگ نترسیدیم. این [صدام] که قدرتی ندارد، عراقی که چیزی نیست»<sup>۲۹</sup> امام با موضعگیری شجاعانه، جوششی مردمی در آحاد ملت و دولت‌مردان ایجاد نمودند و به مسئولان سیاسی دستور دادند برای تهیه طرحها و تدوین برنامه‌های کلان دفاعی اقدام کنند. با تعیین خط‌مشی دفاعی از سوی امام، مقاومت خودجوش مردمی به‌ویژه در شهرهای اشغالی نمود فرزانده‌های یافت، کودکان و زنان نیز دوشادوش پدران و مردان در نبرد شرکت داشتند. قطعاً منشأ این مقاومت و بیداری، ایمان و عشق به اسلام و مبهن اسلامی و اطاعت صادقله از دستورات امام (ره) می‌باشد که موجب سرفرازی ایران اسلامی شده است. امام‌راحل در این باره فرمودند: «آنچه برای اینجانب غرور انگیز و افتخار آفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان، که سربازان حقیقی ولی‌الله‌اعظم ارواحنا فداه هستند می‌باشد. این است فتح الفتوح»<sup>۳۰</sup> وقتی رژیم عراق ریشه مقاومت مردمی را در ایران همگانی یافت، حملات دمنشانه خود به شهرها را گسترش داد و با موشکهای دوربرد و هواپیما به مناطق مسکونی، مراکز درمانی و آموزشی، بناهای تاریخی و فرهنگی حمله‌ور شد.

**واکنش آمریکا، شورای امنیت و دولت‌های عرب**  
با آغاز جنگ در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲ در شورای امنیت سازمان ملل متحد بر سر متن بیانیهای درباره جنگ ایران و عراق بین اعضا، اختلاف افتاد (سه روز بعد از شروع جنگ)

این درحالی بود که پیشروی نیروهای عراقی در داخل خاک ایران همچنان ادامه داشت.<sup>۳۱</sup> دولت آمریکا ابتدا در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲ خاطرنشان ساخت که جنگ ایران و عراق ممکن است به آزادی گروگانها منجر شود.<sup>۳۲</sup> ادومند ماسکی - وزیر خارجه آمریکا - در مورد موضع دولت آمریکا و شوروی در قبال جنگ ایران و عراق گفت: «آمریکا و شوروی در جنگ ایران و عراق بی‌طرف هستند... و هر دو بر آنیم تاراهی برای پایان جنگ ببینیم»<sup>۳۳</sup> در این اثنا نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۷ اظهار کرد: «اگر عراق از آمریکا کمک بخواهد، هرگونه امکانات نظامی را در اختیار عراق قرار خواهد داد»<sup>۳۴</sup> در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۷ آمریکا در اظهارنظری صریح، اظهار کرد در نظر دارد طرح تحویل یکصد تانک مدرن را به اردن... به اجرا درآورد.<sup>۳۵</sup> این درحالی بود که ملک حسین نعتنها از دولت‌های عربی خواست به کمک عراق بشتابند، بلکه اعلام کرد ارتش اردن تمامی امکانات خود را در اختیار ارتش عراق قرار خواهد داد.<sup>۳۶</sup>

شورای همکاری حوزه خلیج فارس، در کنار صدام حسین علیه ایران صف‌آرایی کردند. دبیرکل اتحادیه عرب، طی مکالمه تلفنی با دبیر شورای فرماندهی عراق، مواضع قومی و عربی صدام حسین را مورد ستایش قرار داد.<sup>۳۷</sup> در این میان، موضعگیری شورای امنیت سازمان ملل به‌عنوان نماد رسمی حل مناقشه قابل توجه می‌باشد. کورت والدهایم، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، در نامه‌ای به شورای امنیت نوشت: «من از گسترش اختلاف بین ایران و عراق نگران هستم. این امر به عقیده من یک تهدید جدی بالقوه برای صلح و امنیت بین‌المللی است»<sup>۳۸</sup>

### دفاع و مقاومت

امام‌راحل (ره) تکیه بر مولف‌های خودی در خروج دشمن و تنبیه متجاوز را با افزایش توان دفاعی مورد تأکید قرار داده بود. ایشان در آن شرایط حساس، به‌خوبی دریافت که شخصاً باید جنگ را فرماندهی نماید. لذا در پاسخ به رای عدم کفایت سیاسی مجلس شورای اسلامی به بنی‌صدر، فرمودند: «پس از رای اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه آقای ابوالحسن بنی‌صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد، ایشان را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل نمودم»<sup>۳۹</sup> همچنین امام (ره) طی نامه‌ای به ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، بنی‌صدر را از فرماندهی کل نیروهای مسلح برکنار نمود. امام‌راحل (ره) با حذف بنی‌صدر و طرد تفکر لیبرال، حرکت مؤثری را جهت افزایش توان دفاعی نیروها رقم زد. نهضت‌آزادی ایران به‌عنوان نماد تفکر لیبرال، با طرح مشکلات اقتصادی و ضعف بنیه نظامی، ورود به نبردی کاملاً نظامی را غیرممکن می‌دانست، اما پس از این تغییر، توسعه رزمی سپاه پاسداران و استقلال فرماندهان آن در تصمیم‌گیری نقش بسزایی یافت. سپاه پاسداران ماموریت آموزش و سازماندهی نیروهای بسیج مردمی را که به‌سوی جبهه‌های نبرد می‌شناختند، به عهده گرفت و در فاصله زمانی بسیار کوتاهی حضور کلاسیک این نیروها را در جبهه‌های نبرد نشان داد؛ به‌طوری‌که علاوه بر ارتش و سپاه پاسداران، نیروهای

**امام خمینی در پاسخ به اظهارات سعدون حمادی، نماینده دولت بعثی عراق در سازمان ملل متحد که جمهوری اسلامی را به تمایلات کشورگشایی متهم نمود، فرمودند: «این معنی غلط را از صدور انقلاب برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند... معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و تحت سلطه‌ای که هستند و این همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان در فقر زندگی می‌کنند، نجات دهند.»**

**صدام حسین که قصد داشت جنگ علیه ایران را به جنگ ایران و اعراب مبدل نماید، در سخنان خود اظهار می‌داشت از جانب اعراب با ایران می‌جنگد و می‌خواست خود را منجی عرب جلوه دهد. صدام حسین می‌گفت: «ما که برادرانتان هستیم، به نمایندگی از سوی شما، دفاع از سرزمین اعراب را آن‌گونه که درخور است به عهده خواهیم گرفت.»**

سیجی و نیروهای جنگهای نامنظم نیز به عنوان ترکیب اصلی نیروهای دفاعی به شمار می‌رفتند. حضور مردم به واسطه فراخوانی امام خمینی به قدری باشکوه بود که اعجاب جهانیان را برانگیخت و اطاعت و حضور یکپارچه مردم ایران از فرامین ایشان را زمینه‌ساز اصلی ناکامی رژیم عراق دانستند. امام راحل (ره) به عنوان فرمانده کل قوا، به وحدت همه‌جانبه میان ارتش و سپاه اهتمام خاصی داشت و یکی از عوامل مهم افزایش توان دفاعی را در وحدت ارتش و سپاه جستجو می‌کرد: «اگر روزی میان ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اختلاف ظاهر شود، در آن روز آمریکا به اهداف خود نزدیک خواهد شد.»<sup>۲۳</sup> امام با تقویت خودباوری دینی در احاد ملت، اراده عمومی را پشت سر رزمندگان بسیج کرد؛ به طوری که همه اقشار ملت، از کوچک و بزرگ و پیر و جوان، حضوری غیورانه در صحنه‌های دفاع یافتند. رزمندگان ما با توکل به خدا به جهادی مردانه علیه دشمن دست زدند و بر اساس اعتقادات دینی و خودباوری،

تنصرف پل‌های دشمن بر رودخانه کارون صورت گرفت. این عملیات در پی صدور فرمان امام راحل (ره) شکل گرفت که فرمودند: «حصر آبادان باید شکسته شود.» رزمندگان اسلام با شکستن حصر آبادان، دشمن را از شرق کارون به عقب راندند و به تمامی اهداف از پیش تعیین شده خود دست یافتند.

– عملیات طریق‌القدس: این عملیات به منظور آزادسازی شهر بستان و دسترسی به هورالهوریزه طراحی شده بود و دو ماه بعد از عملیات ناصح‌الانامه به اجرا درآمد که منجر به آزادسازی بستان و روستاهای اطراف آن گردید.

– عملیات فتح‌المبین: عملیات بزرگ فتح‌المبین در غرب رودخانه کرخه آغاز گردید و به تصرف ارتفاعات منطقه و آزادسازی بخش وسیعی از جنوب غربی کشور انجامید. نشریه ایران آزاد در مورد این عملیات نوشت: «چشم‌انداز پیروزی نهایی ایران و سرانجام سقوط رژیم صدام حسین را باید زنگ خطری برای بسیاری از



کشورهای منطقه تلقی کرد. چنین شکستی برای صدام حسین، می‌تواند ملاحظاتی صرفاً نظامی را بر تمامی منطقه حاکم کند که اهمیت سیاسی و استراتژیک آن بسیار قابل توجه است»<sup>۲۴</sup>

– عملیات بیت‌المقدس: این عملیات در منطقه‌ای به وسعت شش هزار کیلومتر مربع آغاز شد و ظرف بیست و پنج روز و در سه مرحله به انجام رسید. از نتایج این عملیات می‌توان به آزادی شهر بندری خرمشهر، هویزه، یادگان حمید و خروج بخش وسیعی از خاک جنوب از تیررس آتش دشمن اشاره کرد. آزادی خرمشهر شادی و سروری وصف‌ناشدنی در میهن اسلامی برانگیخت و شگفتی عظیمی در افکار جهانی ایجاد نمود. دولت آمریکا که در آغاز جنگ تحمیلی خود را بی طرف جلوه می‌داد، پس از فتح خرمشهر نتوانست خشم و ناراحتی خود را مخفی کند؛ چنانکه در سخنان وزیر خارجه وقت آمریکا این

پیروزیهای بزرگی را رقم زدند و برتری ایمان بر جنگ‌افزارهای مدرن را به اثبات رساندند. ناجایی که خبرنگاران جهانی در عظمت حماسه آنان نوشتند: «می‌دانیم که ایران کوهپا را جلیجا می‌کند، نوجوانان متعصب، اخیراً نشان دادند که می‌توانند لشکرهای زرهی را به عقب برانند و یک ارتش مدرن متشکل از دو بیست و پنجاه هزار سرباز را با شکست مواجه سازند.»<sup>۲۵</sup> با تکمیل و تأمین توان دفاعی، فرایند دفاع تغییر نمود و رزمندگان ما علاوه بر دفاع، مشی تهاجمی را نیز در پیش گرفتند که هدف اول آنان آزادسازی مناطق اشغالی از چنگال دشمن بود. آزادسازی مناطق اشغالی، طی چندین عملیات صورت گرفت که مهمترین آنها عبارتند از:

– عملیات ناصح‌الانامه: این عملیات در شمال آبادان و به منظور خارج ساختن جاده‌های آبادان - ماهشهر و آبادان - اهواز از دست دشمن و نیز شکست حصر آبادان و

خشم آمریکایی‌ها را به وضوح می‌توان مشاهده کرد. «امریکا در برابر هرگونه تغییر اساسی در منطقه خلیج فارس که ناشی از جنگ ایران و عراق باشد، بی تفاوت نخواهد بود.»<sup>۲۶</sup> ولیعهد اردن از آمریکا خواست تا از عراق حمایت کند و موضع بی‌طرفی خود را رها نماید در کل تمامی کشورهای هم‌دست عراق، برای نجات صدام به جنب و جوش افتادند و با وارد آوردن فشارهای سیاسی بر ایران، خواهان برقراری آتش‌بس فوری شدند. در واقع در این مرحله تمامی دولت‌های حامی عراق، به خودی خود آشکار شدند؛ چنانکه امام خمینی صراحتاً اعلام داشتند:

«حالا معلوم شد که این مرد، هم آمریکایی بوده است، هم اسرائیلی بوده است و هم در غیاب آنها [از سوی] شوروی پشت و بند داشته است.»<sup>۲۷</sup> پس از فتح خرمشهر، برخی سازمانهای بین‌المللی نیز سکوت خود را شکستند و خواستار پایان جنگ شدند که از آن جمله می‌توان از شورای همکاری خلیج فارس، سازمان کنفرانس اسلامی و نهائینا شورای امنیت سازمان ملل متحد نام برد. شورای امنیت که پس از قطعنامه ۴۹۷ با عنوان «وضعیت میان ایران و عراق» به مدت بیست و دو ماه در اوج پیروزی رژیم عراق سکوت کرد، پس از عملیات بیت‌المقدس سکوت خود را شکست و به درخواست متحدان عراق (اردن و آمریکا) تشکیل جلسه داد و قطعنامه ۵۱۴ را تصویب نمود اما به دلیل عدم معرفی متجاوز، تضمین آتش‌بس، پرداخت غرامت از سوی متجاوز و در نظر نگرفتن مقاصد مشروع ایران، این قطعنامه از سوی کشور ما مورد پذیرش واقع نشد. سخنان امام خمینی، به‌ویژه پس از فتح خرمشهر، گویای صلحی عادلانه بود که از ارکان حقوقی صلح حمایت می‌کرد. به عنوان مثال ایشان در جمع دانشجویان دانشکده افسری ارتش و مسئولین این دانشکده فرمودند: «از اول هم صلح طلب بودیم و صلح یکی از اموری است که ما به تبع از اسلام قبول کردیم صلح اسلامی، صلحی که برادر می‌شوند بعد از صلح و ما طالب این هستیم، اما صلحی که اصلاً اعتنا نکنند به این که جنایت کردند در اینجا و اعتنا نکنند به این که غرامتی وارد شده است و باید جبران بکنند، خسارتی وارد شده است و باید جبران بکنند، این اسمش صلح نیست این اسمش را می‌توانیم بگذاریم صلح صدامی.»<sup>۲۸</sup> جمهوری اسلامی ایران به منظور تثبیت مواضع دفاعی، سلب فرصت سازماندهی مجدد از دشمن و نیز به منظور فعال کردن محافل جهانی در راستای تصمیم‌گیری جدی و عادلانه، در برخی از خطوط دفاعی مناطق استراتژیک دشمن را هدف قرار داد، از سلسله عملیات انهدامی می‌توان از عملیات رمضان، نائله، مسلم‌بن‌عقیل، محرم، والفجر مقدماتی، والفجر ۱، والفجر ۲، والفجر ۳ تا ۶، خیبر، میمک، بدر، قدس ۱ تا ۵، عاشورای ۱ تا ۴، والفجر ۸ (فتح‌خا)، سلسله عملیات کربلا، سلسله عملیات فتح ۱ تا ۱۰، سلسله عملیات نصر ۱ تا ۹، سلسله عملیات ظفر ۱ تا ۷ نام برد.

از نتایج این عملیات انهدامی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: انهدام مراکز تاسیسات نظامی - اقتصادی دشمن و سلب اختیار آفندی با استفاده از غافلگیری و عملیات شبانه و اثبات اقتدار و توان دفاعی رزمندگان اسلام، سلب فرصت سازماندهی نیروها از دشمن و تضعیف روحیه ارتش دشمن.



مشخص شدن ماهیت حامیان عراق و نقض بی طرفی آنان در جنگ، شکست منطق زور و تصمیم یک سویه ابرقدرتها در حوادث جهانی، ایجاد خودباوری و انگیزه و غرور در هواداران انقلاب اسلامی و سرانجام صدور قطعنامه ۵۹۸ و تعیین متجاوز توسط شورای امنیت سازمان ملل.

**واکنش رژیم عراق در برابر توان رزمندگان ایران**  
دشمن با زدن دست دادن توان مقابله با رزمندگان اسلام، به نقض قوانین بین المللی و حقوق انسانی روی آورد که عمده ترین آنها عبارتند از:

- عقب نشینی از مناطق اشغال شده با عنوان «عقب نشینی تاکتیکی»

- استفاده جاسوسی از گروهک منافقین علیه ایران و نیز تجهیز و سازماندهی نظامی این گروه این سازمان خود فروخته ضمن بمب گذاری در مقر حزب جمهوری اسلامی و نخست وزیری باعث شهادت افراد برجسته ای چون شهید بهشتی، شهید رجایی و شهید باهنر گردید و علاوه بر آن اقدام به ترورهای وحشیانه مردم در خیلها نمود. همزمان با این جنایات، رژیم عراق که با قبول قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، قلمرو به استفاده نظامی از افراد این گروه در جبههها نبود، آنها را در قالب عملیات «فروغ جاودان» روانه ایران کرد که همگی توسط رزمندگان اسلام به هلاکت رسیدند.

- حملات گسترده به مناطق مسکونی و حمله به کشتی های نفتی

- کاربرد وسیع و متنوع از سلاحهای شیمیایی و میکروبی علیه رزمندگان اسلام برخلاف کنوانسیون ۱۹۲۵ زنو مبنی بر ممنوعیت کاربرد سلاحهای شیمیایی، عراق نخستین بار در دی ماه ۱۳۵۹ در منطقه عمومی میمک، سپس در منطقه عملیاتی خیبر در سال ۱۳۶۲ و نیز در سال ششم جنگ در عملیات والفجر هشت در شبه جزیره فاو از این سلاحها علیه نیروهای ایران استفاده کرد. سکوت و بی توجهی مجامع جهانی، به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد، موجب شد صدام از جنگ افزارهای شیمیایی همانند سلاحهای متعارف استفاده کند تا آنجا که در طی هشت سال جنگ تحمیلی، قریب به دویست و پنجاه و دو بار از سلاحهای شیمیایی علیه رزمندگان اسلام و مردم بی پناه غیرنظامی استفاده نمود.<sup>۴۴</sup> رژیم عراق در جنگ علیه ایران، از انواع گازهای سمی و شیمیایی تاول را و تحریک کننده اعصاب استفاده کرد. عراق این سلاحها را عمدتاً از دو کشور آلمان و انگلستان تأمین کرده بود. جمهوری اسلامی با ارسال چهار نامه در نوبتهای مختلف به دبیر کل، اعلام نمود که مناطق کردنشین و شهر حلبچه توسط عراق مورد حمله شیمیایی قرار گرفته است. سرانجام پس از گذشت دو هفته یک گروه کارشناسی، بی آنکه حتی یک نفر کارشناس سلاحهای شیمیایی آنها را همراهی کند، به منطقه اعزام گردیدند و سپس قطعنامه ۶۱۲ شورای امنیت مبنی بر محکومیت کاربرد سلاحهای شیمیایی در جنگ ایران و عراق، بدون نام بردن از عامل کشتار، صادر شد.

## صدور قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ

در شانزدهم دیماه ۱۳۶۵، ایران حمله بزرگ خود به جنوب بصره را در قالب عملیات کربلای ۵ آغاز کرد و

فشارهای فوق العاده سنگینی را به ماشین جنگی دشمن وارد آورد. دکوئیلر، دبیر کل سازمان ملل متحد، متعاقب این عملیات از اعضای دائمی شورای امنیت خواست برای خاتمه دادن به جنگ، با یکدیگر همکاری کنند و این درخواست او با پاسخ مثبت سفرای کشورهای عضو روبرو شد. در این مذاکرات آنها «احتمال این که جنگ تهدیدی علیه صلح باشد» را مورد بررسی قرار دادند تا بدین وسیله راه را برای استفاده از اختیارات مندرج در فصل هفتم منشور ملل متحد هموار کنند.<sup>۴۷</sup> پس از شروع مذاکرات، اعضای شورا در مورد صدور قطعنامه به توافق رسیدند. وزارت خارجه ایران از پاییز ۱۳۶۵ تا تصویب قطعنامه ۵۹۸، هیاتهایی را جهت تضمین نظرات خود به کشورهای مختلف اعزام نمود و تهیه کنندگان پیش نویس ناچار به گنجاندن بندهای ۶، ۷ و ۸ در آن شدند. عامل مهم در صدور قطعنامه ۵۹۸، پیشروی عملیاتی رزمندگان اسلام در خاک عراق از جمله در عملیات کربلا، فتح و نصر بود. پیشروی به سوی بصره شورای امنیت را جدی تر برانگیخت، چنانکه در دسامبر ۱۹۸۷، دبیر کل سازمان ملل متحد از اعضای شورای امنیت درخواست کرد برای خاتمه جنگ، به گونه ای جدی تلاش کنند. سرانجام از فوریه ۱۹۸۷ اعضای دائم شورا کار مشترک خود را جهت پایان جنگ آغاز نمودند که نهایتاً به صدور قطعنامه ۵۹۸ منجر گردید.

## نتیجه

بزرگترین مأموریت رسالت وحی، برقراری صلح و عدالت در میان بشر بوده است و لذا به قطع باید گفت از نظر اسلام جنگ در اولویت نیست. باین همه، به استناد آیه شریفه «و اعداؤهم ما استطعتم من قوه»، در صورت حمله متجاوز به حریم امنیت و تمامیت ارضی، باید با تمام قوا و امکانات به دفاع برخاست. از این رو هشت سال مقاومت و مبارزه مردم غیور ایران، «دفاع مقدس» نام گرفت.

ایران که هدف از پیش تعیین شده ای در جنگ نداشت و در معرض تهاجمی سراسری و غافلگیرانه قرار گرفته بود، استراتژی خود را بر مبنای دفع تجاوز و تنبیه متجاوز قرار داد و رژیم عراق که با اهداف مشخص، آغازگر جنگ بود، با ناکامی مواجه گردید و نتوانست وعدههایی را که به اربابان خود داده بود برآورده سازد.

با صدور قطعنامه ۵۹۸، جنگ پایانی سیاسی - حقوقی پیدا کرد و عملاً مجازات جنایتکاران جنگی به اراده ابرقدرتهای عضو شورای امنیت و سازمان ملل سپرده شد اما این ابرقدرتتها از بیم افشای اسرار پشت پرده هرگز حاضر به اعمال مجازات نشدند. باین همه، باید گفت: سند مظلومیت ایران در جنگ، جاودانه در تاریخ ثبت خواهد شد و سازمانهای مسئول که در استیفای حقوق ملت بزرگ ایران قصور نمودند، عادلانه در دادگاه بزرگ تاریخ محاکمه خواهند شد. ■

## پی نوشتها

- ۱- عبدالحسین نوایی، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران، نشر هما، ۱۳۶۴، ص ۱۵۲
- ۲- حمید حبیبی، گروگان گیری و آغاز جنگ ایران و عراق، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، ۱۳۸۲، ص ۱۱۸

- ۳- جورج لچفسکی، روسای جمهوری آمریکا و خاورمیانه از ترومن تا ریگان، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۲، ص ۳۰۵
- ۴- سایروس ونس و برزیسکی، توطئه در ایران، ترجمه محمود مشرفی، تهران، هفته، ۱۳۶۲، صص ۶۹-۶۸
- ۵- احمد موفقی، مجموعه مقالات سیاسی، قم، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۲۳۳
- ۶- صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره)، تهران، مرکز مدارک انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱۳، ص ۱۵
- ۷- روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۶ اسفند ۱۳۵۹
- ۸- فاطمه حیدریان، بن بست غرور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۸۸
- ۹- همان، ص ۸۹
- ۱۰- خلاصه روز شمار جنگ ایران و عراق، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه سال ۱۳۷۲، ص ۱۴
- ۱۱- طارق عزیز، روابط ایران و عراق، ترجمه نعمت الله یاقوتی پور، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۵۹، ص ۲۱
- ۱۲- روزنامه کیهان، ۵۹/۱/۱۴
- ۱۳- روزنامه اطلاعات، ۵۹/۵/۲۵
- ۱۴- عباس ملکی، «شورای امنیت و جنگ ایران و عراق»، مجله مسائل بین المللی ایران، شماره ۴۰، ص ۲۵
- ۱۵- اسماعیل منصوری لاریجانی، تاریخ دفاع مقدس، قم، خدامرضا، ۱۳۸۲، ص ۶۴
- ۱۶- صحیفه نور، همان، جلد ۱۰، ص ۲۳۹
- ۱۷- همان، ص ۲۳۹
- ۱۸- دکتر اصغر جعفری ولدانی، انگرشی به تمهیدنامه ۱۹۷۵ ایران و عراق، مجله حقوقی، شماره ۵، ۱۳۶۵، صص ۷۴، ۷۵
- ۱۹- اسماعیل منصوری لاریجانی، همان، ص ۶۸
- ۲۰- سنیز با صلح، ستاد تبلیغات جنگ شورای عالی دفاع جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۶، ص ۷۱
- ۲۱- اسماعیل منصوری لاریجانی، همان، ص ۷۵
- ۲۲- همان، ص ۷۶
- ۲۳- تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۱، ص ۲۵
- ۲۴- همان، ص ۸
- ۲۵- سنیز با صلح، همان، ص ۷۱
- ۲۶- تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی، همان، ص ۷۸
- ۲۷- از خونین شهر تا خرمشهر، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۷۲، ص ۲۴
- ۲۸- اسماعیل منصوری لاریجانی، همان، ص ۱۲۱
- ۲۹- صحیفه نور، همان، جلد ۱۳، ص ۲۳۲
- ۳۰- همان، ص ۲۸۹
- ۳۱- روز شمار جنگ ایران و عراق، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کتاب چهارم، صص ۱۰۲ و ۱۰۵
- ۳۲- همان، ص ۸۴
- ۳۳- همان، صص ۱۲۵ و ۲۰۴
- ۳۴- همان
- ۳۵- همان، صص ۸۵، ۱۰۷، ۲۴۶ و ۲۳۳
- ۳۶- همان
- ۳۷- روز شمار جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ص ۵۴
- ۳۸- روزنامه کیهان، ۵۹/۷/۲
- ۳۹- روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۰/
- ۴۰- همان، ۶۱/۳/۱۴
- ۴۱- اسماعیل منصوری لاریجانی، همان، ص ۱۳۷
- ۴۲- نشریه ایران آزاد، ۶۱/۱/۱۴
- ۴۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۱/۳/۵
- ۴۴- روزنامه کیهان، سخنرانی در جمع کارکنان نیروی هوایی، ۶۲/۱/۳۰
- ۴۵- روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۶۱/۷/۱۲
- ۴۶- اسماعیل منصوری لاریجانی، همان، ص ۱۷۶
- ۴۷- کامرون رهپوم، ایران و عراق، سازمان ملل متحد، ترجمه هوشنگ راستی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۶